

۱۲ پیش از هر چیز مروری بر وضعیت کنونی داشته باشیم. هدف اسرائیل از دور جدید این حملات چه بود؟

این دور از درگیری‌های ۱۱روزه اخیر که روز جمعه بین دو طرف آتش‌پس ایجاد شد، رویارویی بین حفظ هویت انسانی از سوی فلسطینی‌ها و زیاده‌خواهی ازسوی رژیم صهیونیستی به نمایندگی نتانیاهو به‌عنوان یکی از تندروترین بخش‌های راست افراطی درون جامعه صهیونیستی است. نتانیاهو می‌خواهد از آخرین زمانی که ممکن است نصیصش شود، استفاده کند تا شاید بتواند شرایطی را که از نظر داخلی و ناتوانی در تشکیل کابینه برایش فراهم آمده، از بین برده و انسجام داخلی را پشت سر خود به وجود بیاورد. در عین حال، برای این علاقه‌مند به این جنگ است که بدش نمی‌آید با نددکردن روند تحولات، بازی ایجاد صلح و ثبات در منطقه را که آمریکا، ایران و سعودی به دنبال آن هستند، به هم بزند. ولی فلسطینی‌ها برای حفظ هویت، شأن انسانی و کرامت انسانی‌شان به دنبال این هستند که مقابل زیاده‌خواهی‌های نتانیاهو بایستند. خاطرم‌ان باشد که در هفته‌های اخیر، سه، چهار موضوع اتفاق افتاد و جامعه فلسطینی را ملتهب کرد: یکی حکم دادگاه تخلیه منازل منطقه شیخ جراح، دوم، عدم اجازه نتانیاهو به استقرار صندوق رد قدس شرقی برای اجرای انتخابات مجلس ملی فلسطین که منجر به تعویق این انتخابات شد و سوم، همین شرایطی که از نظر داخلی نتانیاهو دارد و بدش نمی‌آید التهایی در جامعه اسرائیلی به وجود بیاورد که آنها حفظ امنیتشان را منوط به حفظ و ثداوم نخست‌وزیری بدانند و اگر مکانیسم اجرائی انتخابات اسرائیل این اجازه را به او بدهد، بتواند کابینه‌ای ترجیحا مستقل را شکل دهد؛ چون به هر صورت او در آن یک ماه توانست کاری از پیش ببرد و نفر دیگری مأمور شده است و شاید او امید دارد با کابینه‌ای ائتلافی داشته باشد یا به نوعی بتواند در این وضعیت به فلسطینی‌ها رودررو قرار می‌گیرد، بتواند کارت برده احزاب عربی را در هفت مدلی که پارلمان اسرائیل داشته و نقش تعیین‌کننده‌ای در این دوره از انتخابات دارند که در حقیقت دور پنجمی است که در یکی، دو سال گذشته نتانیاهو ناچار شده کابینه تشکیل دهد، تضعیف کند یا از بین ببرد و با سایر احزاب به تقاضمی برسد.

به هر حال، چیزی که به عقیده من دلایل و اهداف نتانیاهو است، قسمتی برمی‌گردد به اینکه او برای حفظ خودش یا ایجاد حاشیه امن شخصی و فرار از محاکمه پرونده فسادی که در دادگاه دارد و احتمالا به محض کنارتفتن او از نخست‌وزیری ممکن است روند پرونده سرعت به خودش بگیرد و مشکلاتی برای او به وجود بیاورد، تشکیل کابینه و نخست‌وزیربودن برایش موضوعی حیاتی است. مرگ و زندگی سیاسی است در حقیقت، البته این شرایطی که الان به وجود آمده و مقابله‌ای که فلسطینی‌ها چه در درون سرزمین‌های اشغالی و چه از غزه و سایر نقاط علیه نتانیاهو یا علیه کابینه و مردم اسرائیل در شهرک‌های غرقانونی مسکونی انجام دادند، حتی با این وضعیتی که با افکار عمومی دنیا حمایت‌هایی شد، در کشورهای عربی، در کشورهای اروپایی و آمریکا، ممکن است اگر روند قضیه خوب طراحی و جلو ببرد، چه‌بسا جامعه اسرائیل از این اقدام نتانیاهو که فرصت‌طلبانه به‌دنبال بهره‌برداری سوء، از این ماجرا بود و به این قضایا دامن زد، ضرر کرده و وضعیت نتانیاهو با پذیرش آتش‌پس بدتر هم بشود. البته بستگی به شرایط، بازی‌ها و طراحی‌های دو طرف فلسطینی و اسرائیلی دارد و همچنین کشورهای تأثیرگذار در مجاری فلسطین؛ چه درون منطقه و چه بیرون منطقه. اینجا همه شرایط است که می‌تواند تعیین‌کننده باشد. البته یکی از اهداف نتانیاهو نیز این است که در حقیقت از تبعات ناآوارانه ارتقا یافته است، یعنی ما الان از انتفاضه سنگ به انتفاضه موشک داریم می‌رسیم. اینکه تبعات این روند جدید چیست، بحث‌های دیگری می‌طبد تا ششگفته شود. ولی همین که الان گروه‌های مقاومت فلسطینی این قدرت فناورانه را پیدا کرده‌اند که می‌تواند حرفی برای گفتن دنبال باشد، آن هم در زمانی که در پرتو بی‌خردی چند کشور عربی و شعبده‌بازی کوشنر، داماد ترامپ، صحبت از فراموش‌شدن مقاومت و کنارگذاشتن مبارزه و به‌رافاندن قطار عادی‌سازی و حرف‌هایی از این قبیل مطرح می‌شد، این نشان می‌دهد مردم فلسطین همچنان امید دارند به اینکه بتوانند حقوق حقه خودشان را از هر طریق ممکن بگیرند. بنابراین بهترین گزینه‌ای که ما می‌توانیم کمک کنیم، مخصوصا در افکار عمومی، چه از طریق رسانه و چه از طریق فعالیت‌های سیاسی یا حقوقی، این است مظلومیت مردم فلسطین در مقابل اشغال‌گری رژیم صهیونیستی را احیا کنیم.

البته گفته می‌شود کشورهای دیگری مانند ترکیه و قطر در کمک به فلسطینی‌ها بدون نتفقاوت استند، اما ایران هم دارای اهدافی در خاورمیانه است. ما نباید ابا داشته باشیم یا خجالت بکنیم یا شرم داشته باشیم از اینکه بگوییم به فلسطینی‌ها کمک می‌کنیم. ما معتقدیم فلسطینی‌ها مورد ظلم قرار گرفته‌اند و باید به آنها کمک شود؛ همان‌طور که آمریکا به خودش حق می‌دهد سالانه چند میلیارد دلار به رژیم صهیونیستی کمک کند و متأسفانه و نابخردانه در همین شرایط فروش تسلیحاتی را به میزان ۲۰۰ تا ۸۰۰ میلیون دلار تصویب کرده که به عقیده من این شایان نقد است و سیاست خارجی آمریکا در حالی که چنین شرایطی دارد و افکار عمومی دنیا جریحه‌دار شده، از اقدامات اسرائیل در غزه و اقداماتی که در قدس انجام داد، جلویگری از برگزاری نماز یا حله‌جایی انسانی برنامه‌ریزی‌شده فلسطینی‌ها از خانه و کاشانه‌شان به نقاط دیگر، اینجا در حقیقت در چنین شرایطی به عقیده من اقدام خوبی از سوی آمریکا نبود و طبیعی است که افکار عمومی هم به این امر حساس شد. ضمن آنکه درباره کمک‌های ایران، گروه‌های فلسطینی و فلسطینی‌ها سیاسی آن‌ها به مشکلات ایران، مسائلی که در دنیا می‌گذر، چه در نظر

روح‌اله نخعی: اشغال فلسطین به دست اسرائیل و حملات و محدودیت‌های اسرائیلی‌ها علیه فلسطین و همچنین کشتار مردم آن، مسئله مداوم خاورمیانه، جهان عرب و جهان اسلام است؛ اما هرازگاهی با تشدید اقدامات اسرائیل علیه فلسطین، این موضوع دوباره به صدر خبرها می‌رسد. به بهانه دور جدید کشتارها و حملات اسرائیلی‌ها، پای صحبت نصرت‌الله تاجیک، دیپلمات سابق و کارشناس مسائل منطقه نشسته‌ایم که معتقد است پیگیری بهتر در هدایت افکار عمومی در این وهله، می‌تواند اثرگذاری مهمی درباره سرنوشت این منطقه داشته باشد.

حقیقت برای آنها تحقیر ملی محسوب می‌شود که زندگی و زیستشان، نه زندگی سیاسی– اجتماعی بلکه زیست طبیعی کسانی که در سرزمین‌های اشغالی زندگی می‌کنند، یعنی فلسطینی‌هایی که در آن سرزمین هستند و حتی آنهایی که در غزه یا در کرانه باختری تحت حکومت خودگردان هستند، واقعا زیستی که در شان انسان‌ها در قرن بیست‌ویکم باشد نیست. همه اینها باعث شده است این‌گونه جوانان فلسطینی جان به لب بیایند و در مقابل ارتش رژیم صهیونیستی قد علم کنند. بنابراین به عقیده من اگر افکار عمومی دنیا و سازمان‌های سیاسی، حقوقی و حقوق‌پیشی برای محکومیت این اقدامات رژیم صهیونیستی بسیج شوند، طبیعی است که آمریکا هم آن قدر نمی‌تواند دستش باز باشد که بعد از چهار جلسه شورای امنیت، جلوی صدور یک بایانه و نه حتی قطع‌نامه محکومیت را در این شورا بگیرد.

۱۲ حماس قنقدر به کمک ایران اطمینان دارد؟ اساسا در این مرحله بازیگران فلسطینی تا چه میزان از کمک‌های ایران استفاده دارند؟

ایران هر کمکی بتواند به دلیل سیاست‌هایش دریغ نمی‌کند. حالا اینکه این کمک‌ها در چه سطحی و به چه میزانی باشد یا اولویت‌هایش چه باشد، اینجا بیشتر به امکانات کشور مربوط می‌شود. ولی واقعیت امر این است که اگرچه بعضی اخبار گفته می‌شد یا مقامات رسمی اسرائیل ادعا کردند که این موشک‌ها از طریق دریا به غزه رسیده است، در حالی که گزارش‌ها و ادعاهایی هم داخل اسرائیل وجود دارد که خبر، این موشک‌هایی که الان دارد شلیک می‌شود، در خود غزه ساخته شده است. حالا در هر دو صورتش که باشد، این به‌هم‌زدن اقداماتی که حماس و جهاد اسلامی در پاسخ به اقدامات اسرائیل صورت داد، اگرچه هنوز ناموازن است و میزان خسارت در دو طرف متفاوت است و توازن ندارد، ولی واقعیت امر این است که هیمنه شکست‌ناپذیری اسرائیل در این شرایطی که این همه روی قدرت کنبه آهنبین تبلیغ می‌کرد، به همین میزان از خساراتی که الان به سرزمین‌های اشغالی و مخصوصا شهرک‌نشینی وارد شده، به عقیده من مهم است. درست است که طرف ۱۰ برابر شاید هم بیشتر

خسارت دیده، خسارت زیرساخت‌ها یا خسارت انسانی یا ازدست‌دادن بسیاری از افراد در خانواده‌های فلسطینی، اینجا شرایط سختی است، ولی در عین حال از آن طرف هم می‌بینیم که حماس و جهاد اسلامی و سایر گروه‌های مقاومت توانسته‌اند پاسخ‌هایی را که تا به حال داده نشده بود، بدهند و سطح مبارزه ناآوارانه ارتقا یافته است. یعنی ما الان از انتفاضه سنگ به انتفاضه موشک داریم می‌رسیم. اینکه تبعات این روند جدید چیست، بحث‌های دیگری می‌طبد تا ششگفته شود. ولی همین که الان گروه‌های مقاومت فلسطینی این قدرت فناورانه را پیدا کرده‌اند که می‌تواند حرفی برای گفتن دنبال باشد، آن هم در زمانی که در پرتو بی‌خردی چند کشور عربی و شعبده‌بازی کوشنر، داماد ترامپ، صحبت از فراموش‌شدن مقاومت و کنارگذاشتن مبارزه و به‌رافاندن قطار عادی‌سازی و حرف‌هایی از این قبیل مطرح می‌شد، این نشان می‌دهد مردم فلسطین همچنان امید دارند به اینکه بتوانند حقوق حقه خودشان را از هر طریق ممکن بگیرند. بنابراین بهترین گزینه‌ای که ما می‌توانیم کمک کنیم، مخصوصا در افکار عمومی، چه از طریق رسانه و چه از طریق فعالیت‌های سیاسی یا حقوقی، این است مظلومیت مردم فلسطین در مقابل اشغال‌گری رژیم صهیونیستی را احیا کنیم.

البته گفته می‌شود کشورهای دیگری مانند ترکیه و قطر در کمک به فلسطینی‌ها بدون نتفقاوت استند، اما ایران هم دارای اهدافی در خاورمیانه است. ما نباید ابا داشته باشیم یا خجالت بکنیم یا شرم داشته باشیم از اینکه بگوییم به فلسطینی‌ها کمک می‌کنیم. ما معتقدیم فلسطینی‌ها مورد ظلم قرار گرفته‌اند و باید به آنها کمک شود؛ همان‌طور که آمریکا به خودش حق می‌دهد سالانه چند میلیارد دلار به رژیم صهیونیستی کمک کند و متأسفانه و نابخردانه در همین شرایط فروش تسلیحاتی را به میزان ۲۰۰ تا ۸۰۰ میلیون دلار تصویب کرده که به عقیده من این شایان نقد است و سیاست خارجی آمریکا در حالی که چنین شرایطی دارد و افکار عمومی دنیا جریحه‌دار شده، از اقدامات اسرائیل در غزه و اقداماتی که در قدس انجام داد، جلویگری از برگزاری نماز یا حله‌جایی انسانی برنامه‌ریزی‌شده فلسطینی‌ها از خانه و کاشانه‌شان به نقاط دیگر، اینجا در حقیقت در چنین شرایطی به عقیده من اقدام خوبی از سوی آمریکا نبود و طبیعی است که افکار عمومی هم به این امر حساس شد. ضمن آنکه درباره کمک‌های ایران، گروه‌های فلسطینی و فلسطینی‌ها سیاسی آن‌ها به مشکلات ایران، مسائلی که در دنیا می‌گذر، چه در نظر

گفت‌وگو با نصرت‌الله تاجیک، دیپلمات سابق و کارشناس مسائل منطقه درباره مسئله اسرائیل و فلسطین و نقش ایران در آن

اسرائیل و فلسطین، درگیری هویت انسانی و زیاده‌خواهی



عکس: gettyimages

مالی و چه از نظر ضربه تحریم‌ها به اقتصاد ایران، واقف هستند.
۱۲ آیا فشارهایی که از سوی برخی چهره‌های برجسته حزب دموکرات بر دولت جدید آمریکا در این زمینه اعمال شده، اثرگذاری خواهد داشت؟
به هر صورت دولت بایدن و تیمش آن چک سفید امضایی را که ترامپ به اسرائیلی‌ها و نتانیاهو داد، نرفته‌ا نخواهند داد؛ بلکه فشارهایی هم اعمال می‌کنند؛ یعنی فرق می‌کند سیاست حزب دموکرات با سیاست‌هایی که ترامپ دنبال می‌کرده؛ ولی ما این را هم باید دقت کنیم که متأسفانه و به غلط آمریکا امنیت رژیم صهیونیستی را به امنیت ملی خودش پیوند داده است. این امر خطایی است و این را به ذهن متبادر می‌کند که پس هر اقدامی و هر جانی که رژیم صهیونیستی در این منطقه دارد انجام می‌دهد، به‌نوعی مسئولیتش با دولت آمریکاست. این از موضوعاتی است که باید به آن پرداخته شود. چه در کانال‌های دیپلماتیک چه در محافل مطالعاتی چه در رسانه‌ها، ولی در مجموع باز سیاست‌های این حزب نسبت به دولت ترامپ بسیار متفاوت است و گفته می‌شود که تماس‌های تلفنی بین بایدن و نتانیاهو بوده و شاید بعدا جزئیات و اخباری به رسانه‌ها درز پیدا کند؛ ولی ظاهر امر حمایت غرب به طور عام و آمریکا به طور خاص از اقدامات رژیم صهیونیستی است که چندان هم وجاهت بین المللی ندارد؛ سرف روز جمعه وزیر خارجه آلمان با سفر فردای وزیر خارجه آمریکا به اسرائیل شاید بیشتر جنبه دلداری دارد تا حمایت؛ به‌هرصورت این‌گونه اقدامات برای درانه غربی‌ها در منطقه تا حدی طبیعی است؛ ولی کلا برای آنها خیلی هم این روندی که اسرائیلی‌ها با نتانیاهو آغاز کرده، مخصوصا برای سوءاستفاده شخصی یا برای اینکه در حقیقت چندینکی جامعه اسرائیل را به نفع خودش زیاد کند و مطبوع و مطلوب نیست که این‌چنین مقابل افکار عمومی دنیا قرار گیرند و طبیعی است‌که این شرایط با شرایط قبلی بسیار متفاوت است و دست نتانیاهو الان مانند گذشته باز نیست و این می‌تواند یک فضای تنفسی برای فلسطینی‌ها و حامیان‌شان باشد که آتش‌پس را به او تحمیل کردند.

۱۲ آیا ممکن است اقدامات اخیر اسرائیل و مذاکرات ایران در وین با قدرت‌های جهانی و غربی، تأثیر مستقیم یا غیرمستقیمی بر یکدیگر بگذارد؟

بعضا من دیدم در تحلیل‌هایی‌که مطرح می‌شود، تأثیر این تنش اخیر بین فلسطینی‌ها و رژیم صهیونیستی روی مذاکرات تأثیر منفی قلمداد شده است. من متوجه هستم که بعضی موضوع‌گیری‌ها را وزیر خارجه آمریکا کرده، بعضی از مطالب را اروپایی‌ها گفته‌اند و به‌نوعی ایران را مسئول یا درگیر بیشتر قضیه می‌دانند. این به عقیده من مقداری بدتر جنبه تبلیغاتی و رسانه‌ای دارد؛ اما احساسم این است که این دور از درگیری‌ها و تبعات بین‌المللی آن می‌تواند حتی موجب تقویت موضع ایران در مذاکرات هم بشود. ما که هیچ موقع کتمان نکردیم که از فلسطینی‌ها حمایت می‌کنیم. سطح حمایت متفاوت است؛ ولی واقعیت امر این است که دولت آمریکا، حداقل تیم بایدن علاقه‌ای ندارد که با طاب پاره نتانیاهو در چه پاره شود؛ همان‌طور که ترامپ رفت و دیگر نتوانست بیرون بیاید؛ یکی از مشکلات ترامپ مخصوصا در بعد سیاست خارجی‌اش همین اقداماتی بود که کوشنر دنبال می‌کرد، به‌عنوان معامله قرن یا چیزی که من شوخی قرن به آن نام داده‌ام که همه چیز را به هم زد؛ زیرا از این خاورمیانه را اگر کسی تاریخش را نداند و مؤلفه‌های تأثیرگذار قدرت را نشناسد و به دلایل اصلی این درگیری و این تنشی که هست، واقف نباشد، تا زمانی که حقوق مردم فلسطین به طور کامل تأدیه نشود، ادامه خواهد داشت. این نمی‌شود که گروهی، قومی، مذهبی و نژادی بیاید سرزمین یک ملت را بگیرد و آنها را بیرون کند و کشت و کشتار کند و شرایطی بسیار بد غیرانسانی، گفتن نه زیست سیاسی– اجتماعی زیست طبیعی‌شان هم حتی انسانی و در شان و کرامت انسانی نباشد را برقرار کند و انتظار صلح و ثبات و امنیت هم داشته باشد؛ در یک فضای امنیتی و پر از سوءو ظن و کین و دستگیری زندگي‌کردن که فیلم‌ها و تصاویر خیلی زیاد است، شرایط زندگی آن‌گونه که در شان یک انسان باشند، نیست و تحقیر ملی باعث شده است فلسطینی‌ها در هیچ حفاظ هویت خودشان باشند. وقتی که آنها را می‌خواهند به زور از منطقه‌ای بیرون برانند و از خانه و کاشانه مهاجرت‌شان بدهند، طبیعی است که این مقاومت در حالت یک گروه به یک مقاومت مردمی تبدیل می‌شود. چیزی که الان جای است، بعضا می‌گویند که حتی ممکن است منجر به جنگ داخلی در اسرائیل



شود، چیزهایی است که تندروهای یهودی که نتانیاهو دارد آنها را نمایندگی می‌کنند، در طول این ۱۱ روز در کف صحنه سیاسی– اجتماعی و خیابان‌های مناطق اشغالی دارد درگیری بین این تندروها و فلسطینی‌ها رقم خورد؛ بنابراین من معتقدم که اگر ایران این قضیه را خوب مدیریت کند، دخالت مستقیم نداشته باشد و بیشتر به سمت اقعاع افکار عمومی، در سازمان‌های حقوقی در مجامع بین‌المللی و در سطح رسانه‌های می‌کنند؛ یعنی فرق می‌کند سیاست حزب دموکرات با سیاست‌هایی که ترامپ دنبال می‌کرده؛ ولی ما این را هم باید دقت کنیم که متأسفانه و به غلط آمریکا امنیت رژیم صهیونیستی را به امنیت ملی خودش پیوند داده است. این امر خطایی است و این را به ذهن متبادر می‌کند که پس هر اقدامی و هر جانی که رژیم صهیونیستی در این منطقه دارد انجام می‌دهد، به‌نوعی مسئولیتش با دولت آمریکاست. این از موضوعاتی است که باید به آن پرداخته شود. چه در کانال‌های دیپلماتیک چه در محافل مطالعاتی چه در رسانه‌ها، ولی در مجموع باز سیاست‌های این حزب نسبت به دولت ترامپ بسیار متفاوت است و گفته می‌شود که تماس‌های تلفنی بین بایدن و نتانیاهو بوده و شاید بعدا جزئیات و اخباری به رسانه‌ها درز پیدا کند؛ ولی ظاهر امر حمایت غرب به طور عام و آمریکا به طور خاص از اقدامات رژیم صهیونیستی است که چندان هم وجاهت بین المللی ندارد؛ سرف روز جمعه وزیر خارجه آلمان با سفر فردای وزیر خارجه آمریکا به اسرائیل شاید بیشتر جنبه دلداری دارد تا حمایت؛ به‌هرصورت این‌گونه اقدامات برای درانه غربی‌ها در منطقه تا حدی طبیعی است؛ ولی کلا برای آنها خیلی هم این روندی که اسرائیلی‌ها با نتانیاهو آغاز کرده، مخصوصا برای سوءاستفاده شخصی یا برای اینکه در حقیقت چندینکی جامعه اسرائیل را به نفع خودش زیاد کند و مطبوع و مطلوب نیست که این‌چنین مقابل افکار عمومی دنیا قرار گیرند و طبیعی است‌که این شرایط با شرایط قبلی بسیار متفاوت است و دست نتانیاهو الان مانند گذشته باز نیست و این می‌تواند یک فضای تنفسی برای فلسطینی‌ها و حامیان‌شان باشد که آتش‌پس را به او تحمیل کردند.

با رفتن ترامپ قطار عادی‌سازی روابط بین کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی در حقیقت سرعش کم شد یا حتی ترمزش کشیده شد. با این اتفاقات من فکر می‌کنم که الان اصطلاحا شارع عربی یا افکار عمومی عربی به این دارد توجه می‌کند که یکی از دلایل زیادخواهی و این فشارهایی که اسرائیلی‌ها دارند بر سر مردم فلسطین می‌آورند، همین اقدام ناخردانه تعدادی از کشورهای عربی بود که با وعده و وعید و امتیازی که ترامپ می‌خواست به اینها بدهد، هر یک را به نوعی گول زد، سودان، بحرین و امارات هرکدام را به نحوی، اینها به دنبال این افتادند که چنین کاری کنند؛ درحالی‌که برای جامعه عربی، حالا هم فلسطینی‌ها و هم غیرفلسطینی‌ها در کشورهای دیگر، این قضیه قابل‌شمه نبود. الان به عقیده من آنها می‌توانند به‌نوعی شرمنده باشند و باید هم شرمند باشند، تا اینکه اقدام‌شان نته‌تها کمکی به ترامپ نکرده تا مثلا در انتخابات برنده شود؛ بلکه باعث شده که نتانیاهو متوجه‌انه فکر کند که مسبوطلابد است و هر لابی خواهد سر مردم فلسطین خواهد آورد؛ درحالی‌که در این چند روز نشان داده شد که واقعا این‌طور نیست؛ با وجود صحنه نامتوازی که بین دو طرف بود.

۱۲ تماس‌ها و گفت‌وگوهایی هم در هفته‌های اخیر بین ایران و عربستان سعودی شکل گرفته است. آیا این تماس‌ها می‌توانند در بحث مواجه با اسرائیل هم مؤثر باشند؟

ما به عربستان فعلا در قدم‌های اول و پله‌های اول نردبان هستیم؛ احتمال می‌دهم آن چیزی که الان هم بعضا به رسانه‌ها درز پیدا کرده است، مذاکرات دو کشور بیشتر حول و حوش مسائل یمن بوده است و طبیعی است که اولویت مهمی برای سعودی‌ها دارد که بیش‌ازاین در باتلاق یمن گیر نکنند و ایران هم به عقیده من خوب است و توصیه بنده هم این است که ما با توجه به حیاتیت که عربستان در یمن صورت داده است، واقعا کمک کنیم زودتر این ماجرا ختم شود و بیش‌ازاین مردم یمن زیر بمباران‌های سعودی‌ها به خاک و خون کشیده نشوند. یکی از وضعیت‌هایی که دولت جدید آمریکا برای منطقه به وجود آورده، این است که هم اسرائیلی‌ها دیگر دست و بالشان خیلی با نیست و هم سعودی‌ها، بنابراین سعودی‌ها هم در نظر افکار عمومی تحت فشار هستند و آن سیدات‌شان و خادم حرمین شریفین در دنیای عرب و اسلام هم مورد تشکیک قرار گرفته است. بن‌سلمان با این بی‌خردی که کرد و وارد جنگ یمن شد، به عقیده من ضربه‌ای اساسی به آبروی سیاسی و اجتماعی عربستان زد و آن بزکی که چهره سعودی به خودش داد و آن نقاب را از بین برد، پس سعودی‌ها دنبال حل هرچه زودتر این مسئله هستند. ما هم باید کمک کنیم عربستان از این وضعیت بیرون بیاید. برای کاهش آلام مردم یمن، دنیا خودش قضاوت می‌کند که سعودی‌ها چگونه اشتباه محاسبه داشتند و درحالی‌که فکر می‌کردند سه تا شش ماهه قضیه یمن را فاصله خواهند داد، در این شش سال چه هزینه‌های مادی و معنوی بر نظام سعودی هموار کردند. فکر می‌کنم باید کمک کنیم این قضیه زودتر خاتمه پیدا کند.

بعد از این ماجرا ما هنوز وارد فضای گفتمانی با ایجاد گفتمان غالب بین ایران و سعودی نشده‌ایم. ما هم در مراحل اولیه هستیم. اگر کسی از این پروژه‌ها متلا می‌بین یمن، موفق از کار درآید. البته صاحب غله

اصلی یمن مردمش هستند. گروه‌های مبارز یمنی هستند. انصارالله هست؛ چون یمن مشکلات عدیده‌ای دارد. مشکلات داخلی دارند. یکی از خواست‌های ایران همیشه این بوده که سعودی‌ها در اختلافات داخلی یمنی‌ها دخالت نکنند و اجازه بدهند آنها مسائل‌شان را خودشان با هم حل کنند؛ ولی سعودی‌ها با حمایت از منصور هادی در حقیقت این خواسته را نادیده گرفتند و صحنه یمن را به ضرر خودشان برگرداندند، اماراتی‌ها هم همین‌طور.

در هر حال من فکر می‌کنم هنوز زود است که ما به این فضا بخواهیم وارد شویم که مثلا ایران و عربستان در مقابل اسرائیل کنار هم قرار بگیرند. درست است که سعودی‌ها روند عادی‌سازی را به دلیل اینکه برایشان خیلی سنگین بود، در جهان اسلام اگر می‌خواستند وارد شوند، خودشان نیامدند؛ ولی چه بسا اماراتی‌ها در تشویق کردند و اماراتی‌ها با چراغ سبز سعودی‌ها وارد این ماجرا شدند؛ ولی خودشان نیامدند؛ به دلیل بی‌آبرویی که می‌توانست نصب‌شان شود. ما هر دو با شیوه‌های خودمان با رژیم صهیونیستی مخالفت داریم. هرکدام طیف تأثیرگذار خودمان را داریم؛ ولی من بعید می‌دانم ما به این زودی‌ها زمینه‌ای برای ایجاد یک گفتمان غالب در این زمینه بتوانیم با هم پیدا کنیم. امور دیپلماتیک مقداری ضروری می‌خواهد. نباید خیلی عجله کرد. باید میوه کامل برسد تا چیده شود.

۱۲ در پایان، چشم‌انداز مسئله اسرائیل را چگونه می‌بینید؟

هسته اصلی مسائل خاورمیانه همین اشغال سرزمین‌های فلسطینی است. اگر این خوب دیده و تبیین شود، شاید در فهم تحولات بتواند کمک کند. چند اتفاق بد افتاده؛ یک وصل‌کردن امنیت رژیم صهیونیستی به امنیت ملی آمریکا. استفاده از حضور این رژیم در تحولات منطقه و تأثیرگذاری آن یا حتی به‌عنوان ژاندارم منطقه که منطقه‌ای نفت‌خیز است و تأمین‌کننده بیش از نیمی از انرژی جهان؛ این ویژگی را دارد ولی متأسفانه بسا زیاده‌خواهی و روش غلطی که رژیم صهیونیستی در پیش گرفته است، مخصوصا مقوله شهرک‌سازی که دالما زمین‌های فلسطینی‌ها را غصب می‌کند و شهرک‌سازی می‌کند، یک اقدام غرقانونی که چند قطع‌نامه بین‌المللی علیه آن وجود دارد ولی متأسفانه نه شورای امنیت و نه کنفرانس مؤثر این قطعه‌ای حتی برای حفظ حرمت قطع‌نامه‌هایشان نمی‌کنند. این عوامل باعث شده شاید به نوعی اصلا مردم فلسطین قطع امید کنند. اینکه می‌بینیم در مقابل این تخلیه اجباری خانه‌ها در منطقه شیخ جراح در قدس، این‌گونه عکس‌العمل نشان می‌دهند، واقعا این کار بد استخوان‌رسیدن مردم فلسطین است. یعنی تلاوه‌بر تحقیر ملی روزانه. اینها هرازگاهی مواجه می‌شوند با غضب بخشی از سرزمین‌شان. اما به نظر می‌رسد جریان راست تلاشی جدی را در این دهه آغاز کردند تا نتیجه انتخابات تا حد امکان برای‌شان مطلوب‌تر باشد. به‌این‌ترتیب با حذف بسیاری از نامزدهای جریان اصلاحات در انتخابات مجلس هفتم از انتخابات به‌عنوان میدانی برای تحقق توسعه سیاسی جامعه یک شوخی تلقی می‌شد. تجربه‌های انتخابات دهه ۸۰ نیز تا حدود زیادی همان ویژگی‌های دهه ۸۰ را داشته‌ند. به بیان دیگر، اگر در دهه ۷۰ نظران دلسوز و دورنگر نگران سقوط اخلاقی در میدان تبلیغات انتخاباتی بودند، در دهه ۹۰ احزاب سیاسی نگران «غافلگیرشدن» از طرف رقیب هستند. احزاب نباید بگذارند حریف دستشان را بخواند و حدس بزند که آنان روی کدام شرکت‌کننده شرط بسته‌اند؛ به‌ویژه تقویم خاص انتخاباتی کشور نیز به این جریان مخرب دامن می‌زند. گفتنی است اکنون و در شرایطی که کمتر از یک ماه به برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری مانده، هنوز نامزدها نمی‌دانند آیا صلاحیت‌شان تأیید شده یا نه. در شرایطی که در کشورهای دیگر تبلیغات انتخاباتی ماه‌ها طول می‌کشد و نامزدها با همه اقشار جامعه رودررو صحت می‌کنند، در جامعه ما مظاهرا در آخرین روزها مردم و احزاب و نامزدها با لیست نامزدهای تأییدشده «غافلگیر» خواهند شد. به باور مجموعه این تحولات را به سستی برد که حداقل رژیم صهیونیستی دست از زیاده‌خواهی بردارد، به قوانین بین‌المللی تمکین کند و فرمول‌هایی که برای استقرار صلح و ثبات در منطقه ارائه می‌شود را مقداری جدی بگیرد و دست از سرکوب و استفاده از مشت آهنین که روش همیشگی صهیونیست‌ها بوده، بردارد. الان افکار عمومی دیگر آن سیاست‌ها را بر نمی‌تابد و قدرت افکار عمومی است که باید در جهت مقابله با رژیم صهیونیستی از این مقدار قناری بگیریم. این استاند

امنیته‌اش وی و بود و کنی هم از آن نان خورده است!

ادامه از صفحه اول

گزارش یک پسرقت

...که شرایط جدیدی در کشور شکل گرفته و توسعه سیاسی به‌عنوان فصلی مهم از جریان توسعه همه‌جانبه کشور همواره مدنظر متولیان امر در حکومت جدید خواهد بود. با گذشت بیش از چهار دهه از آن ایام و آغاز دهه پنجم، اینک با نگاهی به تجربه انتخابات در کشورمان و تأمل در رفتار انتخاباتی، احزاب و شهروندان می‌توان توفیق جریان توسعه سیاسی را در جامعه مورد بررسی و ارزیابی قرار داد. دهه ۶۰ را به‌عنوان اولین دهه بعد از استقرار نظام جمهوری اسلامی می‌توان یک دوره بسیار خاص دانست که شاید رفتار سیاسی و انتخاباتی جامعه چندان در قالب جریان توسعه سیاسی قابل بررسی نباشد. شروع جنگ داخلی و در کنار آن حمله دشمن بعثی شرایط خاصی را ایجاد کرد که طبعاً فضای انتخابات و جریان توسعه سیاسی را به‌شدت متأثر کرد. درواقع رفتار انتخاباتی شهروندان در ۶۰ را بیشتر باید در قالب یک رفتار عاطفی تحلیل کرد تا رفتاری که نشان‌دهنده جریان توسعه سیاسی باشد. اشاره به یک نمونه از اتفاقات خاص آن ایام برای تصور درست فضای آن دوران گفایت می‌کند: در تابستان سال ۱۳۴۰ و در شرایطی که جامعه در شوک ناشی از ترور گسترده از سوی منافقین به سر می‌برد، بنا بود انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار شود. چهار نامزد انتخابات در صداوسمای در تشریح برنامه‌هایشان و معرفی خود سخن گفتند. یکی از نامزدها در سخنرانی خود گفت هرچند نامزد شده؛ اما خود او هم همراه با مردم به نامزد مدنظر مردم رای خواهد داد. در مقابل، وجه غالب دهه ۷۰ افزایش درصد مشارکت و تمایل عموم مردم به حضور در صحنه انتخابات بود. انتخابات مجلس پنجم در سال ۱۳۴۲، انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۷۶ و سپس انتخابات شوراهای شهر و مجلس ششم، همگی با شور و هیجان خاصی همراه بود. این حضور گسترده بسیاری از ناظران را متقاعد ساخت که دور جدیدی در مسیر توسعه سیاسی کشور آغاز شده و این جریان سازنده سرعت گرفته است. شاید یکی از عوامل مؤثر در این جریان، اعمال نظارت استصوابی از طرف شورای نگهبان بود که تلاش تهاست ماهیت مجلس چهارم را کلاما با مجلس سوم متفاوت کند. این اتفاق طبعاً جریان سیاسی رقیب را در شرایطی قرار داد که باید نه برای حضور در مجلس، بلکه برای بقا مبارزه کند. شکل خاص تبلیغات انتخاباتی در دهه ۷۰ که به‌ویژه از سوی جریان اقتدارگری به صورت تخریب رقبا انجام می‌گرفت، شاید از دید برخی ناظران طبیعی تلقی می‌شد؛ اما ناظران دوراندیش آن را عاملی منفی در جریان توسعه سیاسی می‌دانستند. رقیب به جای اثبات خود به دنبال انکار طرف مقابل بود و این رفتار می‌توانست منجر به شکل‌گیری یک جریان پوپولیستی شده و همه طرف‌های درگیر را گرفتار رفتار عامه‌پسندانه بکند. دهه ۸۰ را می‌توان دهه طرح رویکرد مهمندی در انتخابات دانست. هرچند در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۰ حضور و مشارکت گسترده مردمی تکرار شد؛ اما به نظر می‌رسد جریان راست تلاشی جدی را در این دهه آغاز کردند تا نتیجه انتخابات تا حد امکان برای‌شان مطلوب‌تر باشد. به‌این‌ترتیب با حذف بسیاری از نامزدهای جریان اصلاحات در انتخابات مجلس هفتم از انتخابات به‌عنوان میدانی برای تحقق توسعه سیاسی جامعه یک شوخی تلقی می‌شد. تجربه‌های انتخابات دهه ۸۰ نیز تا حدود زیادی همان ویژگی‌های دهه ۸۰ را داشته‌ند. به بیان دیگر، اگر در دهه ۷۰ نظران دلسوز و دورنگر نگران سقوط اخلاقی در میدان تبلیغات انتخاباتی بودند، در دهه ۹۰ احزاب سیاسی نگران «غافلگیرشدن» از طرف رقیب هستند. احزاب نباید بگذارند حریف دستشان را بخواند و حدس بزند که آنان روی کدام شرکت‌کننده شرط بسته‌اند؛ به‌ویژه تقویم خاص انتخاباتی کشور نیز به این جریان مخرب دامن می‌زند. گفتنی است اکنون و در شرایطی که کمتر از یک ماه به برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری مانده، هنوز نامزدها نمی‌دانند آیا صلاحیت‌شان تأیید شده یا نه. در شرایطی که در کشورهای دیگر تبلیغات انتخاباتی ماه‌ها طول می‌کشد و نامزدها با همه اقشار جامعه رودررو صحت می‌کنند، در جامعه ما مظاهرا در آخرین روزها مردم و احزاب و نامزدها با لیست نامزدهای تأییدشده «غافلگیر» خواهند شد. به باور مجموعه این تحولات را به سستی برد که حداقل رژیم صهیونیستی دست از زیاده‌خواهی بردارد، به قوانین بین‌المللی تمکین کند و فرمول‌هایی که برای استقرار صلح و ثبات در منطقه ارائه می‌شود را مقداری جدی بگیرد و دست از سرکوب و استفاده از مشت آهنین که روش همیشگی صهیونیست‌ها بوده، بردارد. الان افکار عمومی دیگر آن سیاست‌ها را بر نمی‌تابد و قدرت افکار عمومی است که باید در جهت مقابله با رژیم صهیونیستی از این مقدار قناری بگیریم. این استاند